

فاطمه

فَطْمَ - فِطَامًا فِطْمًا الْوَلَدَ: فصله عن الرضا(ع). در لغت وقتی طفل از شیر گرفته می‌شود، می‌گویند: فَطْمَ الْوَلَدَ.



فَطْمَ - فِطَامًا فِطْمًا الْوَلَدَ: فصله عن الرضا(ع).

در لغت وقتی طفل از شیر گرفته می‌شود، می‌گویند: فَطْمَ الْوَلَدَ.

«فاطمه وصفی است از مصدر فطم. و فطم در لغت عرب به معنی بریدن، قطع کردن و جدا شدن آمدن است. این صیغه که بر وزن فاعل معنی مفعولی می‌دهد، به معنی بریده و جدا شده است. فاطمه از چه چیز جدا شده است؟» (1)

در روایات بسیاری به وجه تسمیه‌ی آن حضرت به «فاطمه» اشاره شده است. فاطمه از جهل و پلیدی جدا شده است:

عن الباقر علیه السلام قال: ... ثم قال:

«إني فطمتك بالعلم، و فطمتك عن الطمّات. ثم قال أبو جعفر عليه السلام: واللّه لقد فطمها الله تبارك و تعالی بالعلم و عن الطمّات بالميتاق.

امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند فاطمه‌ی زهراء را از جهل و پلیدی جدا نموده است، لذا «فاطمه» نام گرفته است. ایشان سپس ادامه دادند: به خدا قسم، خداوند در عالم پیمان و عهد (یعنی عالم ذر) فاطمه علیها السلام را از جهل و پلیدی جدا کرده است.» (2)

فاطمه از شرّ به دور است.

قال الصادق علیه السلام:

«أندرون أیّ شیء تفسیر «فاطمه»؟ قلت: أخیرني یا سیدی! قال:

فطمت من الشّرّ. ثم قال: لولا أن أمير المؤمنين عليه السلام تزوجها لما كان لها كفو إلى يوم القيامة على وجه الأرض آدم فمن دونه.

امام صادق علیه السلام فرمودند: می‌دانید تفسیر فاطمه چیست؟ و فاطمه چه معنایی دارد؟ عرضه داشتم: مرا آگاه بنما چه معنایی دارد. فرمودند: «فاطمه» از شر و بدی جدا گردیده است. سپس فرمودند: اگر امیرالمؤمنین علیه السلام با حضرت زهرا علیها السلام ازدواج نمی‌کرد، هیچ‌کس همتای زهرا علیها السلام نبود، از زمان حضرت آدم تا روز قیامت کفو و همتایی برای زهرا علیها السلام یافت نمی‌شد.» (3)

فاطمه و دوستانش از آتش بازگرفته شده‌اند.

ولی شیرین‌ترین تفسیر از علت نامگذاری فاطمه‌ی زهرا علیها السلام روایاتی است که می‌گوید «فاطمه‌ی زهراء علیها السلام» «فاطمه» نامیده شد، زیرا شیعیان آن حضرت، از آتش جهنم بازگرفته شده‌اند.

عن الرضا عن آبائه عليهم السلام قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

«یا فاطمة! أندرين لم سميت «فاطمه»؟ قال على عليه السلام: لم سميت؟ قال: لانها فطمت هي و شيعتها من النار؛

امام رضا علیه السلام از اجدادش نقل می‌فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای فاطمه! آیا می‌دانی که چرا «فاطمه» نام گرفتی؟ امیرالمؤمنین علیه السلام عرضه می‌دارند: شما بفرمایید چرا فاطمه، «فاطمه» نامیده شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: زیرا «فاطمه علیها السلام» و شیعیان فاطمه از آتش جهنم بازگرفته شده‌اند و به آتش نخواهند رفت.» (4)

پیمان خدا، بر آزادی دوستانداران فاطمه‌ی زهرا علیها السلام.

عن محمد بن مسلم قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول:

«لفاطمة عليها السلام وقفة على باب جهنم فإذا كان يوم القيامة، كتب بين عيني كل رجل مؤمن أو كافر. فيؤمر بمحبّ قد كثرت ذنوبه إلى النار. فتقرء بين عيني محبّا. فتقول: إلهي و سیدی سميتني فاطمة و فطمت بي من تولاني و تولی ذرّيتي من النار و وعدك الحق و أنت لاتخلف الميعاد. فيقول الله عز و جل: صدقت یا فاطمة انی سميتك «فاطمه» و فطمت بك من أحببك و تولاك و أحب ذرّيتك و تولاهم من النار و وعدی الحق و أنا لا أخلف الميعاد و إنّما امرت بعبدی هذا إلى النار لتشغعي فيه فاشغفك ليتبين لملائكتي و أنبيائي و رسلي و أهل الموقف موقفك مني و مكانتك عندي فمن قرأت بين عيني مؤمناً فحذبت بيده و أدخلته الجنة.

امام باقر علیه السلام فرمودند: در روز قیامت حضرت فاطمه علیها السلام بر در جهنم توفقی دارند. روی پیشانی هرکس نوشته شده است که مؤمن است یا کافر. در این هنگام به یکی از دوستان خطاکار حضرت فاطمه علیها السلام، فرمان می‌دهند به طرف جهنم برو. فاطمه‌ی زهراء علیها السلام روی پیشانی او را می‌خواند: (بر روی پیشانی او نوشته شده است) «دوستدار زهراء».

«فاطمه‌ی زهراء علیها السلام به درگاه خداوند عرضه می‌دارد: خدایا! پروردگارا! نام مرا «فاطمه» نهادی و فرمودی: «به خاطر تو، دوستانداران و دوستداران فرزندان را از آتش جهنم رهایی می‌بخشم.» وعده‌ی تو همیشه حق بوده و هیچ‌گاه خلاف وعده‌ی خود عمل نکرده‌ای.

«خداوند متعال می‌فرماید: فاطمه جان! چنین است که می‌گویی. من تو را فاطمه نام نهادم و هرکس که تو را دوست بدارد، یا فرزندان تو را دوست بدارد، او را از آتش جهنم رهایی می‌بخشم، وعده‌ی من راست است و من خلاف وعده‌ی خود عمل نمی‌کنم. من این بنده‌ام را به طرف جهنم فرستادم تا تو او را شفاعت کنی و فرشتگان و پیامبران من و هرکس در محشر است مقام تو را پیش من ببینند. هرکس را که مؤمن (و عاشق) یافتی دستش را بگیر و داخل بهشت نما.» (5) خلاق از معرفت فاطمه عاجزند.

قال الصادق علیه السلام:

«إنا أنزلناه فی ليلة القدر، الليلة، فاطمة والقدر، الله. فمن عرف فاطمة حق معرفتها، فقد أدرك ليلة القدر و إنّما سميت «فاطمه» لأنّ الخلق فطموا عن معرفتها،

امام صادق علیه السلام درباره آیهی کریمه «إنا أنزلناه فی ليلة القدر» فرمود: مراد از «ليلة» فاطمه است. مراد از «قدر» خداوند است، پس هرکس مادر فاطمه‌ی زهرا

علیها السلام را آنگونه که باید، بشناسد، شب قدر را درک کرده است. مادر «فاطمه» نامیده شد، زیرا خلاق از معرفت او عاجزند.» (6) فاطمه مشتق از فاطر است.

قال النبی صلی الله علیه و آله لفاطمة علیها السلام.

«شق الله لك يا فاطمة! إسماً من أسمائه، فهو «الفاطر» و أنت «فاطمة.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: ای فاطمه‌ی من!

خداوند برای تو اسمی از اسامی خود برگرفته است. (7) خداوند «فاطر» است و نام تو را «فاطمه» گذاشته است.» (8) نام فاطمه برگرفته از نام خداوند

«هذه «فاطمة» و أنا فاطر السماوات والأرضین فاطم، أعدائی عن رحمتي يوم فصل قضائي و فاطم أولیائی عمّا یعتريهم و یسینهم فشققت لها إسماء من إسمي، من فاطر زمین و آسمان هستم (یعنی خالق آسمان و زمین هستم). و در روز قیامت دشمنان خود را از رحمتم محروم می‌گردانم و اولیای خود را، از هر چه آنها را می‌آزارد و ناپسند دارند، جدا نموده‌ام، پس نام «فاطمه» را از نام خود مشتق نمودم. (9)

1- سید جعفر شهیدی، زندگانی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام، ص 34.

2- بحارالانوار، ج 43، ص 13، ر 9 از علل الشرایع.

3- فاطمة الزهراء من المهد إلى اللحد، ص 71 از مقتل الحسین خوارزمی، ص 65 و مناقب ترمذی.

4- فاطمة الزهراء من المهد إلى اللحد، ص 70.

5- بحارالانوار، ج 8، ص 50، ر 58 از علل الشرایع.

6- بحارالانوار، ج 43، ص 65 ر 58 از تفسیر فرات بن ابراهیم.

7- اشتقاق بر سه قسم است. 1- صغیر 2- کبیر 3- اکبر، اشتقاق صغیر آن است که مشتق مشتمل بر حروف مشتق منه باشد و ترتیب حروف نیز در آن رعایت شده باشد، مانند یضرب و ضارب و مضروب که از «ضرب» مشتق می‌شود. اگر در اشتقاق، مشتق مشتمل بر حروف مشتق منه باشد، لکن ترتیب حروف ملحوظ نباشد، آن را «اشتقاق کبیر» گویند، مانند جذب و جید، حمد و مدح، غرد و رعد. اگر در اشتقاق مشتق مشتمل بر بعض حروف مشتق منه باشد و در معنی چنان مناسبتی داشته باشد که صلاحیت رجوع معنا به سوی آن باشد، آن را «اشتقاق اکبر» گویند، مانند: ثلم و ثلب، قضم و قضم، خضم و هضم، حزوجز، فطر و فطم، نیع و نیع، نزح و نزع. لفظ فطر به معنای شق و ابتداء و انشاء و امثال اینها آمده است و فطم به معنای فصل و قطع و منع آمده و هر يك مستلزم دیگری هستند. پس اشتقاق فاطمه از فاطر، اشتقاق اکبر است. شاید اشاره باشد به اینکه حضرت زهرا علیها السلام مظهر صفت فاطریت حق جل و علا و متادب به آداب الله و متخلق به اخلاق الله می باشد (با قدری تلخیص و تصرف از جنه العاصمه، ص 49).

8- بحارالانوار، ج 43، ص 15.

9- بحارالانوار، ج 26، ص 326، ر 10. از تفسیر الإمام العسکری. @.